(167)

هو الله

ای راسخ پیمان و ثابت دل و جان عبدالبهآء در این روزها عازم امریکاست و نهایت رجا بدرگاه جمال ابهی مینماید که در این غیبوبیت یاران الهی در صون حمایت حضرت احدیت باشند و بترویج آئین مبین پردازند تا سینه‌ها آئینه گردد و از زنگ کینه پاک و ممتاز شود عالم انسان پرتو یزدان گیرد و مهر و محبت صمیمی حقیقی جلوه نماید و وحدت بشر ظاهر و عیان گردد آن یار مهربان همیشه در خاطر مشتاقانست و از رفتار و کردار آن این آواره بادیه محبت الله خوشنود و شادمان در خدمت نور مبین از جمیع جهات قصور ننمودی سعی مشکور مبذول داشتی در فکر هدایت ناسی و در نورانیت خلق بجان میکوشی تا خفته‌ئی بیدار نمائی و غافلی هوشیار فرمائی و مافوق طاقت بخدمات گوناگون میپردازی یقین است که مؤید و موفق میشوی از برای نفوسی که نامه خواستی تحریر گردد و ارسال شود الحمد لله انوار صبح احدیت در آفاق در نهایت انتشار است و نامه‌های مفصل بعضی بهزار اسم مزین از امریکا میرسد و از آشنا و بیگانه مکاتیب مخصوصه میآید و از مجامع عظمای امریک مراسلات پیاپی است و جمیع خواهش سفر عبدالبهآء بآنصفحات مینمایند و در نهایت عطش و خواهشند لهذا مجبور بر این سفرم اما قلب من در شرقست زیرا مطلع شمس حقیقت است و جان و وجدانم بیاد یاران الهی در ایران خوشنود و شادمان در ایام مصائب و بلایا یاران شرق جانفشانی نمودند و تحمل هر صدمه و بلائی کردند هیچ صبحی راحت نجستند و هیچ شامی آرام نخواستند روزها در تحت تازیانه بودند و شبها در زیر کند و زنجیر روزی اموال بتالان و تاراج رفت و وقتی در زیر شکنجه افتادند دمی بقربانگاه عشق شتافتند و یومی بر فراز دار یا بهآء الأبهی بلند نمودند آنان مؤمن و ممتحنند و شمعهای روشن هر انجمن لهذا آرزوی عبدالبهآء لقای یاران ایرانست ولی چون موانع مجبره در میان لهذا از خاور بباختر سفر مینماید مکتوبیکه بآقا سید اسدالله مرقوم نموده بودید بدقت ملاحظه گردید فی الحقیقه همانست که مرقوم نموده‌اید حال ایران مورث احزان است و از انقلابات متتابعه و مخاصمات غرضکارانه و تشویش افکار و تخدیش اذهان چشم گریان و قلب سوزانست ولی ایرانیان بدست خود بنیاد خویش برانداختند زیرا متابعت آیات منسوخه و حجج ناقصه ممسوخه یعنی علمای رسوم نمودند و خود را ببلای محتوم انداختند جندیرا که سردار آیت متشابهه و علمدار حجت الأسلام غیر بالغه باشد البته بخسف و نسف مبتلا گردد و مظهر جند هنالک مهزوم من الأحزاب گردد آنچه نصیحت شد نفسی

اصغا ننمود و آنچه فریاد برآمد شخصی استماع نکرد لهذا آنقوم مستغرق در نوم مبتلا باین لوم گشتند و هنوز بیدار نشده‌اند تا فریاد برآرند و بگویند ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرانا فاضلونا السبیل بکرات و مرات این آیات منسوخه این امت را ممسوخه کردند و هنوز اهل ایران دست بدامان آنانند باری شما دعا کنید من نیز بدرگاه احدیت تضرع و زاری نمایم و ایرانرا سکون و قراری طلبم امیدم چنانست که آنشخص بزرگوار موفق بحسن انتظام و راحت و قرار ایران گردد الحمد لله رئیس اشرار بیحیا آشکار گردید و معلوم شد که فتنه و فساد سری از چه مصدریست ولی چه فائده که صدر همکار شفیع آن بدکردار شد در لسان ترکی حکایت کنند که شیخ نصرالدین را دو گوساله بود یکی فرار کرد گوساله دیگر را بضرب چوب اذیت مینمود سؤال نمودند چرا این گوساله را میزنی گفت بجهت اینکه رفیقش فرار کرده گفتند اینکه فرار نکرده رفیقش فرار نموده گفت شما نمیدانید اگر این فرصت یابد از او در گریختن چابکتر است باری این صدر ایرانرا زیر و زبر نمود و هنوز ایرانیان ندانند که این بوم شوم چه آفتی و چه نکبتی از برای ایران محروم بود و علیک البهآء الأبهی (ع ع)